

نبود هدف در جنگ های کور تنظیمی

از نخستین امضای تفاهمنامه آغاز پروژه ۱۰ میلیارد دلاری تا پی حدود دو دهه می‌گذرد

بررسی تاریخی نگاهی است هدفمندانه به گذشته‌ها که از آفت و خیز در عملکرد امروز باید مورد استفاده، قرار گیرد. البته دور از تعصب و میراث پُر ثمری باشد برای نسل های آینده، تا راهگشا واقع گردد. در نشریه «نوی صلح» ۱۸ سال قبل که مسوولیت نشر آنرا خودم به همکاری تعدادی از قلم به دستان ملی گرا (ملت گرا) یاد هر یک شان گرامی باد، به عهده داشتم؛ منتشره - ثور ۱۳۷۶ زیر عنوان (نبود هدف در جنگ های کور تنظیمی) مسائل نفت و گاز آسیای میانه راه ترانزیت انتقال شاه لوله های نفت و گاز را از ترکمنستان به افغانستان، پاکستان، هند و ... که در سر لوجه کاری کمپنی های نفتی بریداس، دلتا آیل و یونیکال قرار داشت، در برج ثور سال ۱۳۷۶ شرحی را در زمینه نوشته بودم. ناگفته نباید گذاشت از نخستین امضای تفاهمنامه آغاز پروژه ۱۰ میلیارد دلاری تا پی حدود دو دهه می‌گذرد.

دولت پاکستان با همکاری عربستان سعودی، امریکا و ... ظهور تحریک طالبان را بر علاوه برچیدن نیرو های شر و فساد، وسیله و مجری، به سررسانی پروژه بزرگ نفتی؛ گمان می نمایند. استدلال این قلم آزاد، آنزمان این بود که در نبود دولت (حکومت مشروع مرکزی افغانستان) بی نصیب گردانیدن دو کشور مخالف (فدراسیون روسیه و ایران) از جانب شرکت ها و کمپنی های نفتی منسوب به غرب، کشور های آسیای میانه (کشور های مستقل و مشترک المنافع) را دور از حیطه قدرت روسیه تلقی کرده و میخوانند انتقال لوله های نفت و گاز را خارج از مسیر روسیه در کنترل خود و شرکا داشته باشند. عواقبش راتیره و تار دانسته، قربانی جهاد مردم افغانستان را، فدای بازی نو (نفتی) ارزیابی نموده بودم.

روی این منظور، تلاش هایی از جانب پاکستان، هند و ترکیه به تشویق کمپنی های نفتی غرب صورت گرفته، سعی ورزیدند روابط خود را با کشور های آسیای میانه بیشتر از پیش نزدیک سازند؛ تا اطمینان دهند که کشور های شان بهترین، کوتاه ترین و مطمئن ترین مسیر تمدید لوله های انتقال نفت و گاز به طرف غرب، جنوب و شرق می باشد. ایران از اثر تعدیرات اقتصادی شورای امنیت ملل متحد، آن زمان تلاش مینمود تا کشورش را در مورد، مناسب تر جلوه دهد. بازی دوگانه روسیه را در پیش گرفت. ایران مثل روسیه ظاهراً همکار اما در کل مخالف تمام پروژه های خلاف منافع خود بود.

رقابت های نا سالم کشورهای از بند رسته شوروی " آسیای میانه " به منظور بستن قرار داد با کمپنی های غربی، و رقابت شرکت های بزرگ نفتی امریکایی، اروپایی و آسیایی، مخالفت روسیه و ایران، دشمنی و تقابل سیاسی هند و پاکستان همه، گره هایی بود که کمپنی های بریداس، دلتا آیل و یونیکال در تلاش های گذشته با وجود میزبانی، پرداخت مصارف سفرهای از هیئت طالبان و رهبران کشور های آسیا میانه به غرب، بی نتیجه ماند. تشدید جنگ های ذات البینی در افغانستان و عدم شرایط مناسب امنیتی؛ سرمایه گذاری های کلان ۱۰ میلیارد دلاری را به تعویق انداخت.

تحقق اهداف بزرگ کمپنی های نفت و گاز توسط بازیگران اصلی و طراحان استراتژیک، این همه مقدمات را لازم داشتند. با رویکار آمدن حکومت آقای کرزی، یونیکال در استخدام کارشناسان، دست بالا داشت. زمانی هم به مشوره اوکلی یونیکال، گوئیوردمن و آقای زلمی خلیل زاد، را که در موسسه رند وظیفه داشت استخدام نمودند. همچنان مارتا بریل اولکات، متخصص در امور آسیای میانه را در استخدام یونیکال شامل نمودند.

خطوط پیشنهاد شده انتقال نفت یونیکال، نه تنها نفت طرف ضرورت پاکستان را تهیه میکرد، بلکه پاکستان را بمرکز صادرات نفت آسیای میانه در بازار های آسیا تبدیل مینمود. طالبان افغان و پاکستانی یک مانع تمدید لوله ها به حساب میروند. پافشاری و تقاضا های پیهم آقای کرزی در مورد مصالحه و مذاکره با طالبان و حمایت کجدار و مریز امریکا از همین جا ناشی میگردد. که بلاخره بهترین گزینه را امریکا و ناتو در برابر طالبان (مقابله و مذاکره) را بعد از ده سال تلفات و قربانی های بی شمار مردم بی گناه افغانستان انتخاب نمودند.

رابرت تنودور معاون شرکت یونیکال اظهار نموده بود. هدف آنست که روسیه، ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان قادر ساخته شوند نفت و گاز خود را در بازار های در حال توسعه آسیا به مشتریان خود عرضه دارند. یونیکال بخاطر اینکه به مشکل شرکت شفران با روسیه روبرو نشود، در همان زمان روسیه را استقبال کرد و برایش در این پروژه سهم قابل شد که نفت سایبری، راه خروج به سوی جنوب پیدا نمود.

هنری دیله روژ، شخص مسوول یونیکال در ازبکستان بیان داشت: ما با روسیه مشکل نداریم، فقط مشکل در افغانستان است (برقراری صلح و ثبات). یقیناً علت برگشت به زمان بازی بزرگ وجود نفت و ذخایر عظیم گاز است که قدرت

های بزرگ را در منطقه میکشاند. بزرگ شدن کنسرسیوم سنت گاز را اطلاع داد طوری که در آن شرکت های نفت جاپان، کوریا ی جنوبی و پاکستان علاوه گردید. اما این بار پروژه تاپی "بازی بزرگ نفت" پای مستقیم امریکا- ناتو را مستقیم به میدان رقابت کشانیده است. از جانبی کشور مقتدر چین نیز بنابر ضرورت انکشاف اقتصاد سریع و نیازمندی جدی انرژی نفت و گاز و نفوذ سیاسی اش در منطقه با داشتن روابط قوی و تأثیر گذار بر پاکستان، وضعیت را به نفع شانگهای و اعضا آن تغییر خواهد داد. «این پروژه بخشی از برنامه چند شاخه ای شامل فایبر نوری، خطوط آهن و انتقال برق است که موازی با پروژه تاپی به پیش برده خواهند شد. یک شاهراه فوق العاده همکاری میان آسیای مرکزی و آسیای جنوبی خواهد بود». به قول رابرت اپیل، بازی کنان مسابقه سیاست لوله های گاز، باید بخاطر داشته باشند که صلح سبب آوردن لوله های گاز میشود، نه لوله های گاز سبب تحقق صلح! که آنوقت خود نیز چنین استدلال می نمودند. اما حالا "بازی بزرگ" بعد نو بخود گرفته است.

هرچند دو ائتلاف گسترده در سطح جهان، یکی تحت رهبری اضلاع متحده امریکا به اشتراک بیش از ۶۵ کشور مقتدر جهان و دیگرش توسط عربستان سعودی، قطر، ترکیه و . . . که از افغانستان نیز تقاضای پیوستن به این ائتلاف برزگ صورت گرفته است شامل ۳۴ کشور، مبارزه علیه سرکوب "داعش" تروریسم و افراطیت را اعلام نموده اند.

این در حالی است که گزارشات می رساند، جنگ جویان "داعش" در ولایات کنر و جلال آباد تلاش نابود سازی طالبان در منطقه را داشته و مصروف سربازگیری اند. آنچه جای نگرانی خوانده میشود ایجاد شبکه رادیویی است.

در صورت صداقت با چنین تلاش های جدی و گسترده مبارزه در سطح جهان و منطقه علیه داعش، منطقی ایجاب نمی کند تشویشی در ذهن داشته باشیم. اما اینکه داعش، صاحب استیشن رادیویی میگردد، سوال برانگیز است!

از آنجائیکه مقوله در سیاست مطرح بحث میباشد که، دشمن دشمن، دوست دانسته شده می تواند؛ و در سیاست دشمنی دایمی مطرح نیست، بلکه منافع دایمی تعقیب میگردد؛ تصور دارم جهت تعقیب منافع علیای کشور و تعقیب منافع ملی ما، ایجاد زمینه مذاکره، پایان بخشیدن به جنگ، تأمین امنیت و صلح در کشور منجمله تأمین امنیت برای تحقق پروژه تاپی، تفکیک بین اعضا طالبان افغان تبار که آجدای خارج از افغانستان را فعلاً ندارند، با نیرو های داعش که متعلق به کشورهای بیگانه تعلق دارند؛ فرق فاحش قایل شد.

به امید قطع جنگ و برادر کشی، به امید تأمین صلح و عدالت!

مستحکم باد وحدت آگاهانه و برادرانه اقوام افغانستان!

پاینده و جاوید باد افغانستان عزیز!

پایان

میر عنایت الله آشفته